

The Impact of Russian-Syrian Relations on the Security Policy of the Islamic Republic of Iran during the Syrian Crisis (2011 to 2018)

Mahdi Khosh Khatti

Assistant Professor of International Relations, Islamic Azad University of Zanjan, Iran
m.khoshkhatti@yahoo.com

Farshid Jafari

Assistant Professor of International Relations, Islamic Azad University of Zanjan, Iran
farshid-jafari@yahoo.com

Hasan Eyvaz Zadeh

Assistant Professor of International Relations, Islamic Azad University of Zanjan, Iran
m.ghr_54@yahoo.com

Davood Mansoori*

Ph.D. Student in Public Policy, Islamic Azad University of Zanjan, Iran
(*Corresponding Author*) mansoori.davood.iau@gmail.com

Abstract

Objective: With a centralized political and security structure, Iran has a variety of formations of internal and external factors that organize and implement security policy. The researcher seeks to answer the question "how has Russia-Syria relations from 2011 to 2018 affected the Islamic Republic of Iran's security policy".

Method: In this study, a descriptive-analytical method was used.

Results: One of the important external factors affecting Iran's security policy is the Syrian crisis and the role of various countries and groups such as Russia. Russia is one of the extra-regional powers that intervened in the Syrian crisis in favor of Bashar al-Assad's government. Expanding and maintaining Russian-Syrian relations has increased stability and reduced the cost of security policy for the Islamic Republic of Iran.

Conclusion: The first positive consequence of Iran's national interests has been the maintenance of Syria's ruling system as Iran's strategic ally. Second, in Iran's view, Russia can balance Iran's position on international issues, especially the West, and deter other regional powers and disrupt their efforts to eliminate Iran's role in the region. The fight against terrorism and extremism and its relative overcoming are other benefits of Russia's approach to Iran for Syria.

Keywords: Syria Crisis, Security Policy-Making, Axis of Regional Resistance, Russia.

بررسی تأثیر روابط روسی-سوری بر سیاست‌گذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در جریان بحران سوریه (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸)

مهدی خوش خطی

استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، ایران، m.khoshkhti@yahoo.com

فرشید جعفری

استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، ایران، farshid-jafari@yahoo.com

حسن عیوض زاده

استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، ایران، m.ghr_54@yahoo.com

داود منصوری*

دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، ایران، (نویسنده مسئول)

mansoori.davood.iau@gmail.com

چکیده

هدف: ایران با ساختار سیاسی و امنیتی متمرکز دارای شکل‌بندی‌های متنوعی از عوامل داخلی و خارجی است که سیاست‌گذاری امنیتی را سازمان‌دهی و به مرحله اجرا می‌رساند. محقق در این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که «روابط روسیه و سوریه از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۸ چه تأثیری بر سیاست‌گذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران گذاشته است».

روش: در این پژوهش، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

یافته‌ها: یکی از عوامل خارجی مهم و تأثیرگذار بر سیاست‌گذاری امنیتی ایران بحران سوریه و نقش کشورها و گروه‌های مختلف نظیر کشور روسیه در این بحران است. روسیه یکی از قدرت‌های فرامنطقه‌ای است که در بحران سوریه به نفع دولت بشار اسد مداخله کرد. گسترش و حفظ روابط روسیه و سوریه موجب افزایش ثبات و کاهش هزینه‌های سیاست‌گذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران شده است.

نتیجه‌گیری: اولین پیامد مثبت بر منافع ملی ایران، حفظ نظام حاکم بر سوریه به‌عنوان متحد استراتژیک ایران بوده است. دوم اینکه، از نظر ایران، روسیه می‌تواند موازنه‌دهنده موضع ایران در مسائل بین‌المللی به‌ویژه در مقابل غرب و بازدارنده سایر قدرت‌های منطقه‌ای باشد و تلاش‌های آن‌ها را برای حذف نقش ایران در منطقه ناکام گذارد. مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی و غلبه نسبی بر آن از دیگر منافع رویکرد روسیه در سوریه برای ایران است.

واژگان کلیدی: بحران سوریه، سیاست‌گذاری امنیتی، محور مقاومت منطقه‌ای، روسیه.

مقدمه

منطقه خاورمیانه در طول تاریخ، به دلیل موقعیت راهبردی و وجود منابع سرشار حیاتی، همواره تنش‌زا و بحران‌خیز بوده است. این منطقه به‌ویژه در دوران جدید با مداخله قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به یکی از پرتنش‌ترین مناطق جهان تبدیل شده است. در نتیجه بیشتر دولت‌های آن با کشمکش و بحران، درگیر بوده یا از بیم وقوع جنگ و توجه به اصل بازدارندگی، به دنبال انباشت فزاینده سلاح و مهمات هستند.

کشورهای روسیه و سوریه با توجه به موقعیت‌های خاص خود از نظر ژئوپلیتیک سیاسی از سالیان دور دارای روابط راهبردی بوده‌اند. گسترش روابط مسکو و دمشق از سال ۱۹۷۰ شروع شده است و سوریه فقط به خاطر حمایت مسکو توانست به سوی تبدیل شدن به یک دیکتاتوری داخلی و یک بازیگر محلی کلیدی پیشرفت کند. این رژیم پس از پایان جنگ سرد با یک بحران عمده و بزرگ مواجه شد تا اینکه دوباره با محبوبیت یافتن پوتین و با تجدید روابط با روسیه به حالت عادی برگشت و در امتداد آن بار دیگر مسکو از سوریه به‌عنوان یک نماینده منطقه‌ای باارزش که موقعیت ابرقدرتی آن را در طول جنگ سرد افزایش می‌داد، استفاده کرد، ولی در طول بحران‌های عمیق خودش در سال ۱۹۹۰ مجبور شد آن را ترک کند. اما پس از جانشینی روسیه به جای اتحاد جماهیر شوروی بار دیگر به حمایت از رژیم حافظ اسد به‌عنوان ابزاری برای محکوم کردن موقعیت ابرقدرتی خودش در طول بهار عربی ادامه داد؛ بنابراین، می‌توان اظهار کرد که برای بیش از چهار دهه، بالا و پایین شدن روابط مسکو و دمشق، روابط دوجانبه سازنده آن‌ها، هویت بین‌المللی آن‌ها را شکل داده است.

بحران سوریه از همان روزهای نخستین به کشمکش‌ها و منازعات داخلی محدود نماند و عرصه جدال بازیگران مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شد که منافع هم‌سو یا متضاد با یکدیگر داشتند. از این رو بدیهی است که آینده سوریه و روابط آن با روسیه بر منافع این بازیگران، خاصه ایران، تأثیر خواهد گذاشت و با توجه به اینکه حفظ بشار اسد در قدرت یا برکناری او تأثیر بسیار زیادی در آینده سوریه دارد و این امر ایران را با فرصت‌ها و چالش‌هایی مواجه خواهد کرد.

حضور روسیه در سوریه در کنار ایران سبب تضعیف تروریسم، شکست محور عربی-ترکی-امریکایی شده و تثبیت قدرت بشار اسد را در پی خواهد داشت که این مسئله پیروزی مهمی برای ایران در بازی‌های راهبردی منطقه خواهد بود. مسئله‌ای که بیشترین سود و کمترین ضرر را برای ایران در بازی‌های راهبردی منطقه خواهد داشت، زیرا به محض خروج نظام سوریه از وضعیت فرمز امنیتی، بر انگیزه‌های ضد امریکایی و ضد اسرائیلی آن افزوده خواهد شد و این موضوع قطعاً به تعمیق توان محور مقاومت خواهد انجامید که دارای ارزش حیاتی برای امنیت ملی ایران است؛ بنابراین، سؤال اصلی این مقاله بر این موضوع تأکید دارد که «روابط روسیه و

سوریه از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ چه تأثیری بر سیاست‌گذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران گذاشته است؟»

پیشینه پژوهش

اگرچه در ارتباط با مقولاتی چون بحران سوریه و نقش ایران در سوریه تاکنون پژوهش‌های متعددی انجام شده است، اما هیچ‌یک از منظر آینده‌پژوهی، فرصت‌ها و چالش‌های وضعیت محتمل آینده برای سیاست‌گذاری امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به این موضوع نپرداخته‌اند. در ادامه نمونه‌ای از پژوهش‌های منتشرشده در این زمینه را بررسی شده است:

درویشی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «محیط امنیتی ایران در قرن بیستم»، با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به این نتیجه می‌رسد که درک سیاستمداران امنیتی از چگونگی محیط امنیتی خویش از مقتضیات اولیه تدوین سیاست‌های امنیتی از جانب آن‌ها است.

صالحی (۱۳۹۱) بحران سوریه را به‌طور عمده با رویکرد فرآیندی تاریخی و نقش اپوزیسیون در مذاکرات و گفتگوهای درون اپوزیسیونی و بین‌المللی بررسی کرده است؛ در این مطالعه به عقبه تاریخی بحران و تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر بحران و حیات سیاسی سوریه کنونی توجه نشده است.

عباسی و محمدی (۱۳۹۲) در مقاله «تبیین رئالیستی منازعه بین‌المللی قدرت در سوریه و پیامدهای آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران» بیان کرده که با توجه به وابستگی متقابل امنیتی جمهوری اسلامی ایران و سوریه، بررسی چرایی شکل‌گیری این منازعه و نیز تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت است. علت شکل‌گیری منازعه میان کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در سوریه، دنبال شدن الگوهای رفتاری ناشی از ساختار انارشیک (ترس، بقای محوری و قدرت‌طلبی) بوده است که با ایجاد منافع متعارض و برهم زدن موازنه قوا به ضرر آن، زمینه‌ساز تهدیدی وجودی شود.

زارعان (۱۳۹۴) بر این فرض تمرکز دارد که نقش شکاف‌های اجتماعی را در بحران سوریه نمی‌توان نادیده گرفت و آن را عامل اصلی نمی‌داند و در عوض، شکاف‌گفتنمانی در سیاست خارجی قدرت‌های منطقه‌ای را عامل اصلی معرفی می‌کند.

گودرزی و کوچک‌زاده تهمتن (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «نظریه انتخاب عقلانی، دخالت روسیه در سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران» اهداف روسیه از مداخله در سوریه را کمک به برقراری یک نظام چندقطبی، رشد و ارتقای نقش بین‌المللی روسیه همانند یک ابرقدرت بزرگ و یکی از مراکز جهانی، مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی دینی و مقابله با هژمونی و یک‌جانبه‌گرایی امریکا و ناتو می‌داند.

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است و بر روی مورد پژوهش مطالعه عمیق و گسترده در مدت‌زمان خاص صورت گرفته است. موقعیت پژوهش در یک زمان توصیف شده است و در این روش فرضیه‌ای پیشنهاد نمی‌شود. همچنین روابط متغیرها مورد مطالعه قرار نگرفته و برای اقدامات بعدی توصیه‌ای نیز نشده است، بلکه موقعیت موجود توصیف می‌شود.

مبانی نظری

بحران در سوریه در ژانویه سال ۲۰۱۱ با درخواست‌های صنفی آغاز شد و به سرعت در این کشور گسترش یافت؛ به طوری که تنها در ۵ ماه پس از اولین تظاهرات بزرگ، گروهی از مخالفین رژیم، تشکیلاتی را به نام ارتش آزاد سوریه با هدف سرنگونی حکومت دمشق سازمان‌دهی کردند و با گسترش بحران و تغییر سیاست دولت‌های منطقه‌ای و سپس در موافقت با مخالفان و معارضان داخلی و خارجی و به سمت تقابل با رژیم بشار اسد، تحولات سوریه ابعاد منطقه‌ای و سپس بین‌المللی یافت (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۸۵).

در حالی که ایالات متحده آمریکا به عنوان مهم‌ترین مخالف بشار اسد و نظام سوریه در منطقه فعال است، فدراسیون روسیه از همان ابتدا در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی از دمشق حمایت کرده است. ایران نیز برای اینکه بتواند خط مقدم مقاومت در مقابل اسرائیل را حفظ کرده و جنبش‌های مقاومت را تقویت و حمایت کند به همراهی حکومت سوریه نیاز دارد و به همین دلیل سرنگون شدن حکومت اسد برخلاف مصالح ایدئولوژی حکومت ایران است و در واقع سقوط دولت سوریه نوک پیکان مقاومت ایران را به عقب خواهد کشید و موقعیت منطقه‌ای ایران را تضعیف خواهد کرد و در نهایت بر منافع امنیت ملی ایران تأثیر منفی خواهد گذاشت؛ بنابراین، همکاری ایران با روسیه تأکیدی بر ضرورت‌های سیاسی ایران در سوریه مبتنی بر حفظ منافع راهبردی و امنیت ملی است. عوامل اصلی حضور روسیه در بحران سوریه به عوامل سیاسی، اقتصادی و نظامی تقسیم‌بندی شده است. در ادامه به توضیح این عوامل پرداخته می‌شود.

عوامل سیاسی

خاورمیانه به دلیل منابع غنی انرژی و موقعیت خاص ژئوپلیتیک، حوزه منفعتی غیرقابل اغماض برای قدرت‌های بزرگ از جمله روسیه محسوب می‌شود. سابقه سیاست خاورمیانه‌ای روسیه محدود به طول عمر اتحاد جماهیر شوروی و روسیه فعلی نیست، بلکه به روابط روسیه تزاری با کشورهای منطقه می‌رسد، اما تغییر و تحولات در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در هر مرحله از تاریخ این کشور متأثر از برهه تاریخی خاص بوده است. منطقه خاورمیانه برای شوروی سابق دارای اهمیت راهبردی بوده است (مقدم، ۱۳۸۴: ۴۵۵).

خاورمیانه و موضوعات مختلف معطوف به آن، یکی از مسائلی است که مسکو، به‌ویژه در دوره دوم ریاست جمهوری پوتین، توجه زیادی به آن مبذول داشته است. تردد بالای دیپلماتیک میان مقامات خاورمیانه‌ای به مسکو و به‌عکس، به‌خوبی بیانگر بروز نوعی تحرک و پویایی در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه و متفاوت از دهه‌های گذشته است. دیپلماسی خاورمیانه‌ای و عربی روسیه پس از به قدرت رسیدن پوتین و بعد از جنگ امریکا در عراق برای تأمین امنیت روسیه و منافع اقتصادی آن رابطه جدیدی را می‌طلبید. در این زمان که روسیه به دنبال بازسازی حضور خود در خاورمیانه بود، تمامی جوامع عرب نیز ایفای نقش سیاسی قوی‌تری را از سوی این کشور خواستار بودند (همان: ۴۵۶).

در زمان ریاست جمهوری مدودف و البته با نظر پوتین، یکی از جهت‌گیری‌های عمده سیاست خارجی روسیه، تمایل به کنار گذاشتن احساس حقارت دهه ۱۹۹۰ و بازگشت روسیه به سطح بالایی در امور بین‌الملل بوده است. اتخاذ این سیاست، بعد جدیدی به حضور روسیه در خاورمیانه که بسیاری از مناقشات در آن جاری است، بخشید. تأثیرگذاری روسیه در حل این مشکلات لازمه حضور جدی آن به‌عنوان یک بازیگر بین‌المللی با جایگاهی برتر است. روسیه تمامی احزاب درگیر در مناقشات خاورمیانه را متصل به هم می‌داند؛ بنابراین، یک فعالیت دیپلماتیک با پشتوانه بین‌المللی را دنبال می‌کند تا به آشکارسازی مناقشه خواه میان اسرائیل - لبنان - سوریه بیانجامد (Stepanova, 2006: 25).

عوامل اقتصادی

یکی از اهداف روسیه از حضور در خاورمیانه، گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای منطقه است و در این راستا فروش تسلیحات نظامی و تشکیل بلوک انرژی از جمله مهم‌ترین منافع اقتصادی در منطقه خاورمیانه است که روسیه این اهداف را به شدت پیگیری می‌کند. در این بین سوریه یکی از بازارهای راهبردی روسیه در خاورمیانه محسوب می‌شود. در طول چندین دهه روابط شوروی سابق و روسیه کنونی با این کشور، سوریه به بازار راهبردی به‌ویژه در بخش فروش و ارسال تسلیحات روسی بدل شده است. سابقه طولانی فروش تسلیحات روسیه به سوریه به‌عنوان یک عامل مهم در حمایت‌های اخیر روسیه از دولت اسد نیز تلقی می‌شود. موضوع قابل تأمل این است که هرچند مرکزیت منافع اقتصادی روسیه با سوریه بر اساس تجارت سودمند تسلیحات شناخته می‌شود، اما این روابط تجاری با حضور شرکت‌های روسی در سوریه و همکاری در بخش انرژی نیز همراه می‌شود. شرکت‌های روسی در زمینه اکتشاف و توسعه نفت و گاز در سوریه سرمایه‌گذاری‌های کلانی را انجام داده‌اند. در مارس ۲۰۰۵، شرکت روسی تات نفت توانست امتیاز کشف و توسعه نفت و گاز سوریه را از آن خود کند. در دسامبر همین سال شرکت دیگری به نام استروترانس گاز نیز وارد معامله با دمشق شد. این شرکت به‌عنوان تابع

شرکت گازپروم ۳۱۹ کیلومتر از خط لوله بخش، گازی اعراب در مسیر رهاب- حمص را ساخته است (Bagdonas, 2012: 62).

علاوه بر کشف و توسعه نفت و گاز، شرکت‌های روسی در زمینه پروژه‌های انرژی هسته‌ای در سوریه نیز مشغول می‌باشند. شرکت رزتم در سال ۲۰۱۰ اعلام کرد که اولین کارخانه انرژی هسته‌ای در سوریه را خواهد ساخت و سرویس‌دهی به آن توسط تخنا پرامیک اسپرت که تولید تجهیزات انرژی را بر عهده خواهد داشت، ادامه می‌یابد. کارخانه‌های تولیدی و ساخت روسی نقش مهمی در اقتصاد سوریه ایفا می‌کنند که از جمله آن‌ها می‌توان به کارخانه اورالمش اشاره کرد. این کارخانه در سال ۲۰۱۰ برای فراهم آوردن تجهیزات حفاری برای شرکت‌های نفتی سوریه با این کشور قراردادی منعقد کرد.

شرکت سیترونیگز در سال ۲۰۰۸ قراردادی با سوریه منعقد کرد که بر اساس آن ساخت شبکه وایرلس را اجرا کرد. می‌توان گفت حضور فعال شرکت‌های روسی در سوریه در زمینه‌های مختلف سبب رونق بخشیدن به اقتصاد این کشور شده است و در کنار آن، این شرکت‌ها نیز از سود سرشاری بهره می‌برند. درگیری در سوریه و به تبع آن تغییر رژیم در این کشور سبب هراس متخصصین روسی شده است. تحقق این امر سبب از دست رفتن قراردادهای سودمند خواهد شد و این احتمال وجود دارد که رژیم بعدی، پیوندهای اقتصادی را با حامیان امروز خود یعنی ترکیه، اروپا و ایالات متحده منعقد گرداند (Gorenburg, 2012: 4).

عوامل نظامی

۱. پایگاه طرطوس

طرطوس واقع در دریای مدیترانه تقریباً در ۲۵ کیلومتری مرز سوریه با لبنان قرار دارد. این بندر تنها پایگاه دریایی خارج از اتحاد شوروی سابق است که با توجه به اهمیت راهبردی آن تاکنون توسط روسیه حفظ شده است. امروزه با بروز جنگ در سوریه، روسیه در جهت تحقق اهداف سیاسی خود از این پایگاه بهره‌برداری می‌کند و آن را به‌عنوان محلی جهت تحویل سلاح به دولت اسد تبدیل کرده است. در واقع ایجاد این بحران، موقعیتی را برای روسیه به وجود آورده است تا حضور خود را به دیگران یادآوری کند (Trenin, 2013: 21).

۲. خریدهای تسلیحاتی سوریه

تجارت اسلحه میان اتحاد شوروی و سوریه تا دهه ۹۰، در مجموع به ۳۴ میلیارد دلار می‌رسید و اتحاد شوروی منبع اصلی سوریه در تأمین اسلحه و آموزش افسران نظامی بود. فروپاشی اتحاد شوروی توانایی سوریه را به‌طور جدی در دستیابی به تجهیزات مدرن نظامی تحلیل برد و این مهم از طریق واردات سوریه از کره شمالی و ایران نیز جبران نمی‌شد. تا اینکه پوتین در سال ۲۰۰۵ تصمیم سیاسی مبنی بر ازسرگیری تجارت با سوریه را اتخاذ کرد و در این راستا هیچ

مشکلی در ایجاد موقعیت خود به‌عنوان یک فروشنده بزرگ سلاح در بازارهای سوریه را نداشت. هرچند پوتین از یک سو به اسرائیل اطمینان داد که مسکو امنیت آن را به خطر نخواهد انداخت و از سوی دیگر تمایلی به برهم زدن توازن قوای منطقه دارد، با این حال نمی‌تواند بزرگ‌ترین منفعت خود را در سوریه نادیده بگیرد و این متحد قدیمی خود را بدون قدرت دفاعی رها کند. تا قبل از سال ۲۰۰۶ هیچ نوع تسلیحات مدرنی به این کشور عرضه نشده، اما روسیه تعمیر و به‌روزرسانی سخت‌افزارهای نظامی مورد استفاده ارتش سوریه را همچنان ادامه داده است و در کنار آن نیز به افسران نیروهای نظامی سوریه در حد افسران ارشد آموزش می‌دهد. تا سال ۲۰۰۶ تقریباً صد هزار افسر سوری هم در دانشگاه‌های نظامی شوروی و هم روسیه آموزش دیده‌اند. به نظر می‌رسد روسیه عرضه تسلیحات به این کشور را به‌عنوان ابزار چانه‌زنی با امریکا یا اسرائیل قرار بدهد. در مجموع می‌توان سابقه تجارت طولانی مدت تسلیحات روسیه با سوریه را دلیل محکمی بر پشتیبانی‌های اخیر روسیه از دولت اسد تلقی کرد. بر این اساس روسیه با اتخاذ سیاست حمایتی از دولت اسد، درصدد است تا یکی دیگر از بازارهای پررونق خود در منطقه را از دست ندهد؛ مانند آنچه پس از انقلاب لیبی رخ داد و روسیه عملاً بازارهای این کشور را از دست داد (Abbasi & Mohammadi, 2014: 75).

منافع و ملاحظات مشترک ایران و روسیه در سوریه

یکی از ویژگی‌های بارز رابطه بازیگران در صحنه سیاست بین‌الملل، نسبی بودن روابط است. این ویژگی ماهوی، پایه تنظیم اهداف و منافع هر کشور در تعیین رابطه دوستانه، خصمانه یا بی‌طرفانه با سایر کشورها به شمار می‌رود. بدیهی است که ایران و روسیه به‌عنوان دو بازیگر در صحنه سیاست بین‌الملل نیز از این قاعده ماهوی مستثنی نیستند. در واقع، فراز و نشیب‌های روابط دو کشور در طی چند سده اخیر را نیز باید در همین قاعده جست‌وجو کرد که در مقاطع مختلف تاریخی، موجب نزدیکی یا دوری دو طرف از یکدیگر شده است. تحولات پرشتاب و پیچیده خاورمیانه، از جمله نقاط عطف تاریخی در روابط تهران و مسکو به شمار می‌رود که علی‌رغم وجود اختلافات میان دو کشور که در ادامه بدان پرداخته می‌شود، موجب شده نقاط اشتراک قابل توجهی در روابط ایران و روسیه شکل بگیرد (زرگر، ۱۳۹۲: ۶۱).

ایران، بحران سوریه را به‌مثابه استراتژی اسرائیلی-آمریکایی تفسیر کرده که در حل نبرد با تهران است. از نگاه ایران تغییر رژیم در سوریه تنها مقدمه‌ای بر تغییر رژیم در تهران است (Asseburg & Wimmen, 2013). در حال حاضر، از لحاظ ژئوپلیتیک، عمق راهبردهای ایران گسترش یافته است به‌گونه‌ای که مرزهای لبنان و سوریه به‌عنوان خط مقدم منطقه نفوذ ایران تلقی می‌شود.

مقابله با نفوذ غرب؛ هدف اصولی مشترک

هم ایران و هم روسیه به دلایل مختلف تاریخی، ژئوپلیتیکی و حفظ منافع و امنیت ملی مخالف هستند. از این رو است که تهران و مسکو طی سال‌های اخیر، مواضع انتقادی مشابهی را در قبال اتخاذ رویکردهای یک‌جانبه در مناسبات بین‌الملل از سوی ایالات متحده، گسترش ناتو به شرق، طرح استقرار سپر دفاع موشکی در جمهوری چک و لهستان و سپس در ترکیه، وقوع انقلاب‌های رنگی در مناطق پیرامونی روسیه، فعالیت نهادهای فرهنگی و سیاسی غرب‌گرا و گسترش دامنه فعالیت‌های اقتصادی غرب به‌ویژه در حوزه انرژی داشته‌اند (Therme, 2018: 552). از این زاویه، نگرش هر دو کشور به تحولات کنونی سوریه را باید در نگرانی مشترک از گسترش دامنه نفوذ غرب در منطقه استراتژیک خاورمیانه دانست (زرگر، ۱۳۹۲: ۶۴).

همکاری دو کشور در بحران سوریه تا به آن حد رسیده است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار پوتین با ایشان، همکاری‌های تهران و مسکو را در عرصه‌های سیاسی و امنیتی مناسبات ارزیابی و از گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی میان دو کشور استقبال کرد و از حضور اثرگذار روسیه در مسائل منطقه‌ای به‌ویژه سوریه تمجید کردند. پوتین نیز ایران را متحدی مطمئن در منطقه و جهان قلمداد کرد (صادقی و مرادی، ۱۳۹۶: ۱۶۳). از نظر والتر، نوع برخورد امریکا با روسیه و ایران در دوره پس از فروپاشی شوروی، این دو کشور را به سوی همکاری با یکدیگر سوق داده است (باقری دولت‌آبادی، ۱۳۹۳: ۴۱).

حفظ بشار اسد؛ هدف مشترک کوتاه‌مدت

ایران و روسیه از آغاز بحران سوریه تاکنون، هدف مهم و مشترکی را دنبال کردند و آن هم جلوگیری از سقوط نظام سوریه و بشار اسد بود. در واقع، در مقابل رویکرد و تلاش معارضان داخلی و حامیان غربی و عربی آن‌ها برای سرنگونی بشار اسد، روسیه و ایران با همکاری و هماهنگی سیاسی و عملیاتی با یکدیگر، مانع از تحقق این هدف جبهه مقابل شدند. با این حال، بسیاری از ناظران و تحلیل‌گران معتقدند این هدف مشترکی بوده که تداوم نخواهد داشت و در نهایت چنان‌که در ادامه خواهد آمد، منجر به مهم‌ترین اختلاف ایران و روسیه در سوریه خواهد شد (دهقانی و مرادی، ۱۳۹۵: ۷۵).

موضوع مهم دیگر به اختلاف مسکو و تهران درباره آینده اسد و نظام سوریه برمی‌گردد. هرچند از لحاظ تاکتیکی، مواضع دو کشور در بحران سوریه یکسان است، ولی دیدگاه راهبردی‌شان نسبت به آینده سوریه متفاوت است. روسیه تمایل دارد سوریه را به‌عنوان یک کشور سکولار ببیند، بر همین اساس روسیه در نهایت خواهان ترتیباتی است که بتواند با شریک کردن اعراب سنی در قدرت، ترکیه و عربستان را هم راضی کند. در حالی‌که، جمهوری اسلامی ایران خواهان این است که به سوریه کمک کند تا ساختاری دولتی شکل دهد که در آن اقلیت علوی برتری

خود را بر اکثریت سنی سوریه از دست ندهند. ایران نگران است اعطای نقش مهم به اهل تسنن در سوریه منجر به تضعیف نیروهای طرفدارش در سوریه شود. تهران بر ماندن اسد به عنوان رئیس جمهور تأکید دارد، حال آنکه مسکو آماده مصالحه بر سر ریاست جمهوری اسد است. برای روسیه مسئله این نیست که چه کسی سوریه را رهبری خواهد کرد، بلکه مهم این است که رئیس جمهور آینده سوریه چگونه منافع روسیه را تضمین خواهد کرد (ایوانف و شوری، ۱۳۹۵، ص. ۱۵۴).

مقابله با گروه‌های افراط‌گرا؛ هدف امنیتی مشترک

آخرین نگرانی مشترک ایران و روسیه را باید نگرانی از به قدرت رسیدن افراط‌گرایان وابسته به جریان‌های سلفی و وهابی در سوریه دانست. بخش مهمی از جریان‌های مخالف دولت سوریه را این جریان‌ها تشکیل می‌دهند که به شدت از سوی کشورهای عربی، به ویژه عربستان سعودی پشتیبانی می‌شوند. در نگاه مقامات کرملین، تهدیدات اسلام‌گراهای رادیکال در داخل مرزهای روسیه و هم‌چنین در جمهوری‌های سابق شوروی، از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی روسیه است که باید به هر طریقی جلوی آن گرفته شود. در همین زمینه، مقامات و تحلیل‌گران روسی ابراز نگرانی می‌کنند که سرنگونی اسد می‌تواند باعث هرج و مرج و تهدیدی جدی از سوی گروه‌های اسلام‌گرای افراطی برای نواحی تحت نفوذ روسیه و قفقاز شمالی شود. البته عده زیادی معتقدند که این ادعای مقامات روسیه ابرازی است برای رسیدن به اهداف خود و حمایت از بشار اسد (Allison, 2013: 797). ایران نیز از جهت‌گیری‌های ضدایرانی و ضدشیعی این جریان‌ها به خوبی آگاه است. از این رو، علاوه بر نگرانی نسبت به حاکمیت رویکردهای غرب‌گرایانه، ایران و روسیه از قدرت‌یابی جریان‌های سلفی و وهابی نیز در سوریه شدیداً احساس خطر می‌کنند که این امر نیز بر نزدیکی هرچه بیشتر مواضع دو کشور بسیار تأثیرگذار بوده است (زرگر، ۱۳۹۲: ۶۴).

به‌طور کلی ظهور گروه‌های تروریستی در منطقه، تهدید مستقیم و جدی علیه امنیت ملی ایران محسوب می‌شود. به عنوان نمونه، رادیکال شدن فضای منطقه از طریق شکاف بین شیعه - سنی، تهدید مرزها و به خطر افتادن تمامیت ارضی، عملیات تروریستی، تضعیف جبهه مقاومت در منطقه، ایجاد حاشیه امن برای اسرائیل و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای مثل امریکا در خاورمیانه از جمله تهدیدات ظهور پدیده داعش برای ایران بوده است (ذوالفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۷۴).

منافع و ملاحظات متعارض ایران و روسیه در سوریه

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در مورد پایان دادن به جنگ خونین سوریه باید مورد توجه قرار گیرد، قابلیت دوام شراکت مسکو و تهران است. همکاری قابل توجه ایران و روسیه در عملیات خود در سوریه، خط بطلانی بر یک قرن عدم اعتماد میان دو کشور کشید. با فروپاشی اتحاد شوروی، روابط دو کشور متحول شده بود، اما اهداف درازمدت این دو همچنان در مقابل یکدیگر

قرار داشت. اختلافات میان ایران و روسیه بر سر آینده سوریه، کاملاً جدی است، اما این اختلافات آشکار نیستند، زیرا این دو کشور در حال حاضر تلاش می‌کنند به اهداف مشترک و کوتاه‌مدت خود دست یابند.

بر این اساس، اهداف مشترک و ضروری موجب شده است تا ایران و روسیه در کوتاه‌مدت در سوریه با یکدیگر متحد شوند و این اتحاد بر ضد نفوذ غرب در بلندمدت خواهد بود. با این حال، در زمینه برخی از جنبه‌های مهم درباره آینده سوریه، از جمله ماهیت دولت و بازسازی ارتش این کشور، آینده بشار اسد و همچنین مسئله حزب‌الله، اختلافات میان تهران و مسکو ظاهر خواهد شد؛ بنابراین، می‌توان گفت که اختلافات میان مسکو و تهران، اختلافاتی هستند که بر سر آینده سوریه بروز خواهند کرد (اشرفی و بابازاده جودی، ۱۳۹۵: ۴۶).

بر مبنای واقع‌گرایی ساختاری، دولت‌ها همواره به دنبال منافع و افزایش قدرت خود هستند و همکاری و ائتلاف میان دولت‌ها تا زمانی مداومت دارد که منافع ملی و مصالح قدرت ایجاب کند. به نظر می‌رسد نگاه روسیه به همکاری و روابطش با ایران نشئت‌گرفته از چشم‌انداز کلان این کشور به سیاست جهانی است. بر اساس سند امنیت ملی روسیه، روس‌ها با توجه به سیاست عمل‌گرایانه، بدون در نظر گرفتن فایده، تنها هزینه نمی‌کنند، بلکه بر اساس عقلانیت راهبردی حرکت می‌کنند (جعفری و ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۱).

سر نوشت بشار اسد؛ هدف بلندمدت متعارض

در شرایطی که ایران به کرات اعلام کرده که برکناری اسد خط قرمز این کشور است و هرگونه پیش‌شرط نبودن اسد غیرقابل قبول است، روسیه انعطاف بیش‌تری در این زمینه از خود نشان داده است. به گفته وزیر خارجه روسیه، رویکرد مسکو به اسد مانند رویکرد واشنگتن به آنکارا نیست. این نقطه افتراق راهبرد تهران و مسکو در جنگ داخلی سوریه است. علی‌اکبر ولایتی، مشاور ارشد رهبر جمهوری اسلامی ایران در امور بین‌الملل، تاکنون چندین بار تصریح کرده که «شخص بشار اسد» خط قرمز جمهوری اسلامی است.

به بیان دیگر، راهبرد تهران در سوریه بر اساس حفظ بشار اسد در قدرت ترسیم شده، درحالی‌که راهبرد روسیه بر اساس حفظ منافع این کشور در ارتباط با قدرت‌های بین‌المللی تدوین شده است. روشن است که این دو استراتژی تا اندازه‌ای هم‌پوشانی دارند، ولی نکته مهم این است که این دو در بسیاری از موارد نیز هم‌پوشانی ندارند. از نظر روسیه، اسد می‌تواند در قدرت باقی بماند، اما نه به هر قیمتی. سخنان مقامات روسیه نشان می‌دهد که اسد خط قرمز آن‌ها نیست و هرگونه دولت غیرافراطی و سکولار که بتواند ثبات در سوریه را حفظ کند، برای روسیه قابل قبول است. این رویکردی است که می‌تواند در بلندمدت منجر به اختلاف جدی ایران و روسیه در سوریه شود (اشرفی و بابازاده جودی، ۱۳۹۵: ۴۹).

نقش حزب‌الله لبنان

یکی از این اختلافات بنیادین در روابط میان ایران و روسیه در سوریه، ریشه در رابطه نزدیک اسرائیل و روسیه دارد که تا حدودی نیز متأثر از سیاست‌های ضداسرائیلی ایران و فعالیت‌های حزب‌الله است. اسرائیل به‌شدت از قدرت‌یابی حزب‌الله در سوریه و مرزهای خود نگران است. این نگرانی‌ها ناشی از چند عامل مهم است: نخست، بهبود و تقویت مهارت‌های نظامی حزب‌الله که ناشی از تجربه ۵ ساله این گروه در سوریه است؛ تجربه‌ای که بدون شک می‌تواند در برابر اسرائیل به کار گرفته شود. نگرانی دوم اسرائیل که یک عامل اختلافی میان ایران و روسیه بوده، انتقال سلاح‌های روسی به حزب‌الله از انبارهای تسلیحاتی سوریه بوده است. ایران پیش‌تر به روسیه وعده داده بود که تجهیزات پیشرفته نظامی را که از روسیه دریافت می‌کند، در اختیار حزب‌الله لبنان قرار ندهد، اما به گفته مقامات و رسانه‌های اسرائیلی، ایران به این قول خود پایبند نبوده و موشک‌های زمین به هوای اس‌ای ۲۲ را که از روسیه خریداری کرده، در اختیار حزب‌الله لبنان قرار داده است. این موضوعی است که همواره موجب نگرانی اسرائیل بوده و روسیه نیز بنا به درخواست اسرائیل بارها از ایران خواسته از انتقال سلاح به حزب‌الله جلوگیری کند. پوتین هم‌چنین تلاش کرده است تا به اسرائیل اطمینان دهد که حضورش در سوریه و توافق با ایران برای تحویل سامانه‌های دفاع موشکی اس ۳۰۰ منجر به افزایش آسیب‌پذیری اسرائیل مقابل موشک‌های حزب‌الله نخواهد بود (Goodarzi & Koochekzadeh Tahmatan, 2018: 134).

ساختار سیاسی آینده سوریه

ایران و روسیه در جهت‌گیری سیاسی آینده دولت سوریه نیز اختلاف دارند. برای ایران مهم است که نظام سیاسی سوریه در آینده موضعی ضداسرائیلی داشته باشد و همچنان پلی میان تهران و حزب‌الله شود. در عوض، روسیه خود را نگران این مسائل نمی‌کند و تلاش دارد از آن فاصله بگیرد. در واقع، اسرائیل و روسیه به‌طور مستمر جلساتی در سطوح سیاسی و نظامی برای یافتن زمینه‌های مشترک در سوریه برگزار کرده‌اند. آن‌ها موافقت کرده‌اند از رویارویی‌های نظامی احتمالی در آسمان سوریه پرهیز کنند و روسیه حتی خود را متعهد کرده تا مانع دست‌یابی حزب‌الله به سلاح‌های روسی شود. این کشور هم‌چنین متعهد شده است که مانع اقدامات شبه‌نظامیان حامی دولت سوریه و نیروهای حزب‌الله بر ضد اسرائیل در بلندی‌های جولان شود. اسرائیل برخلاف متحدان غربی خود، موضعی منفی در قبال حضور نظامی روسیه در سوریه اتخاذ نکرده است و این نشان می‌دهد که مسکو لزوماً مایل نیست نظام سیاسی آینده سوریه همچنان موضعی ضداسرائیلی داشته باشد (Cohen, 2018).

ساختار ارتش سوریه

ریشه‌های نفوذ روسیه در سوریه، چه از لحاظ سیاسی و چه به لحاظ جغرافیایی، با حکومتی سکولار و نهادهایی همچون ارتش گره خورده است. در واقع، ارتش سوریه به‌طور سنتی به روسیه وابستگی زیادی داشته و منافع استراتژیک روسیه از پایگاه نظامی آن در طرطوس تا سرزمین‌های علوی و لاذقیه قرار دارد. در مقابل، منافع راهبردی ایران در جنوب سوریه تعریف می‌شود. دولت ایران بیش از تلاش برای ایجاد نهادهای دولتی در سوریه، به دنبال تقویت نیروهای دفاع ملی و نیروهای علوی و شیعه است. زمانی که ایران متوجه شد ارتش سوریه در آستانه سقوط است، تلاش کرد نیروهایی متشکل از داوطلبان را تشکیل بدهد. در نتیجه، نیروی گسترده‌ای از علوی‌ها را تشکیل داد. آن‌ها اکنون نیروی اصلی در سوریه هستند که با گروه‌های مختلفی از معارضین مسلح می‌جنگد و قدرتمندتر از ارتش سوریه هستند. بر اساس گزارش‌ها، حدود بیست هزار شیعه از عراق، لبنان و افغانستان نیز به آن‌ها ملحق شده‌اند. این نیروها نقش مهمی در آینده سوریه ایفا خواهند کرد. به‌علاوه، گفته می‌شود که جمهوری اسلامی امیدوار است از آن‌ها به‌عنوان جایگزینی مناسب برای دولت اسد استفاده کند. این راهبرد فقط در مورد سوریه استفاده نمی‌شود، بلکه سیاست ایران در قبال عراق، لبنان و حتی یمن نیز به همین ترتیب است. در عراق، گروه‌های شیعه تحت حمایت ایران، اکنون ستون‌های اصلی نیروهای مسلح این کشور را تشکیل می‌دهند و در تأمین امنیت این کشور نقش عمده‌ای ایفا کرده‌اند (Rafizadeh, 2016).

سایر عوامل اختلاف‌زا

فارغ از عوامل ذکر شده، نوع تعامل و همکاری میان ایران و روسیه، تابعی از نوع تعامل یا تقابل آن‌ها با دیگر بازیگران از جمله اسرائیل و عربستان یا مسائل دیگر از جمله حوزه انرژی است. روسیه دارای قدرت منحصربه‌فردی برای ایجاد تفاهم، تعادل و ایجاد توازن بین تمام طرف‌های درگیر در بحران سوریه است. در همین راستا، به نظر می‌رسد یکی از اصول کلی راهبرد روسیه در سوریه، ایجاد توازن قدرت میان محور ایران، از یک سو و اسرائیل، از سوی دیگر است. همکاری ایران و روسیه در سطوح بالا، در زمانی است که نوبت به مقابله با نیروهای مسلح هوادار غرب و مخالف اسد در سوریه می‌رسد، اما زمانی که نوبت مسئله اسرائیل است، وضعیت متفاوت می‌شود. روسیه به اسرائیل تعهد داده که به امنیت ملی اسرائیل احترام می‌گذارد (Ajourloo, 2011: 73). همین مسئله یکی از عوامل بدبینی تهران و مسکو به یکدیگر بوده است.

نتیجه‌گیری

مسکو و تهران، به‌عنوان دو قدرت اثرگذار در معادلات منطقه با درخواست دولت قانونی سوریه، کمک‌های زیادی را به نظام حاکم بر سوریه ارائه کرده‌اند. در ادامه، دو کشور به این موضع مشترک رسیدند که همکاری مستقیم آن‌ها در بحران سوریه ضرورت دارد که این مسئله باعث

اتکای سیاست‌های آن‌ها به یکدیگر شده است. روسیه و ایران در یک همکاری نزدیک تلاش‌های زیادی برای حل و فصل بحران سوریه از طریق مختلف انجام دادند. ایران و روسیه یک تیم نسبتاً مؤثر در سوریه تشکیل دادند که هرکدام مکمل دیگری می‌باشند. ایران کمک‌های لازم مالی، مادی و مهم‌تر از همه نیروی انسانی موردنیاز را فراهم می‌کند. در این راستا، تهران از نیروی قدس خود و نیز نیروهای حزب‌الله لبنان و داوطلبانی از سراسر منطقه استفاده کرده است. روسیه نیز از طریق نیروی هوایی خود، حملات هوایی، موشکی و توپخانه‌ای سنگین عرضه می‌کند که فقدان آن مشارکت‌های نظامی ایران را در عرصه نبرد کم‌فایده خواهد کرد. روسیه در حمل و ارسال حمایت‌های مالی و فنی به نظام سوریه با ایران سهیم است.

به‌طورکلی، مشترکات میان سیاست ایران و روسیه در ارتباط با بحران سوریه و به تبع آن همکاری آنان دارای عوامل مختلفی است. اول اینکه، در سطح تحلیل جهانی آنچه ایران، به‌عنوان قدرتی منطقه‌ای و روسیه، به‌عنوان قدرتی جهانی را دارای منافع مشترک می‌سازد، رویکرد تجدیدنظرطلبانه آن دو کشور در قبال نظم موجود در نظام بین‌المللی است. دوم، هر دو کشور از جایگاه فعلی خویش در عرصه بین‌المللی ناراضی هستند و به راهبرد تغییر وضع موجود جهت رسیدن به منزلت مطلوب متعهدند. همکاری‌های میان ایران و روسیه را می‌توان از احساس تهدید مشترک دو کشور از سوی امریکا و ناشی از تمایل آن‌ها به برقراری موازنه قدرت با این کشور تفسیر کرد.

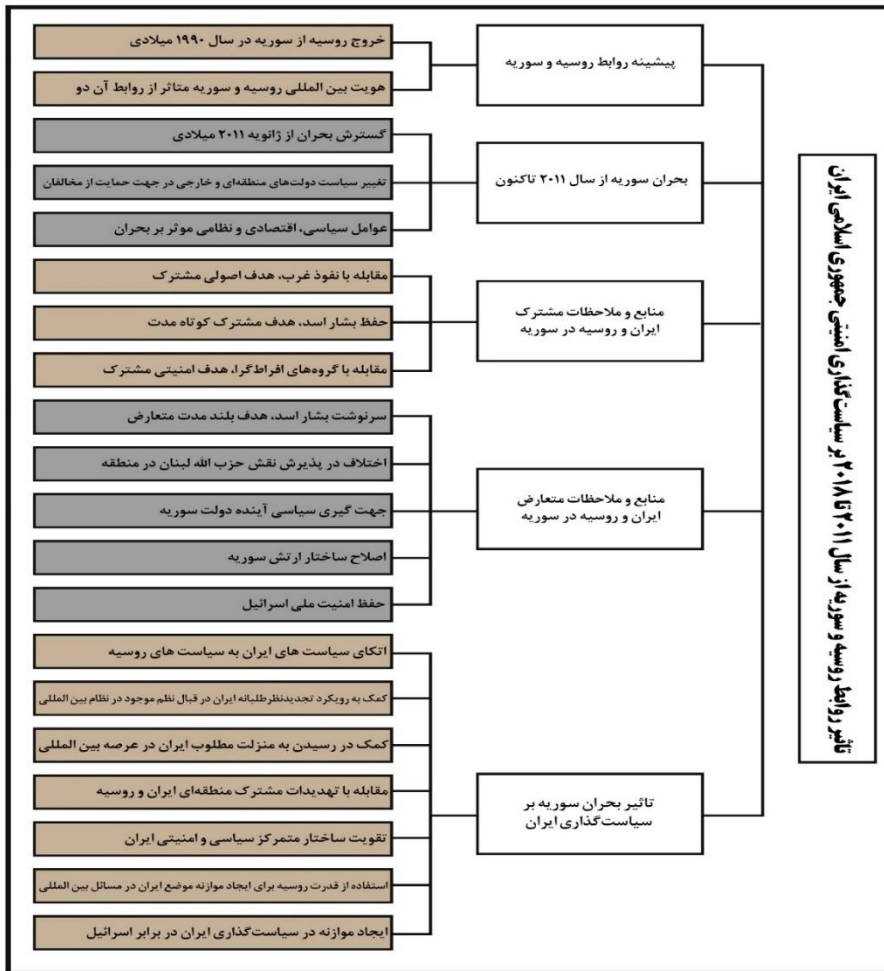
مقابله با تهدیدات مشترک منطقه‌ای، منفعت مشترک دیگر ایران و روسیه است و دو کشور در خصوص به مخاطره افتادن آن در سوریه و در موضوعاتی چون تروریسم و افراط‌گرایی ابراز نگرانی کرده‌اند و برای مقابله با آن سطح فزاینده‌ای از همکاری‌های امنیتی و نظامی را به نمایش گذاشته‌اند. آنان به این امر واقف‌اند که پیدایش و تقویت گروه‌های تروریستی در منطقه در طول سالیان پس از جنگ سرد با منافع ژئوپلیتیکی رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای‌شان پیوند داشته است.

همسویی سیاست روسیه و ایران در ارتباط با تحولات سوریه را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد: اول، دو کشور از انجام اصلاحات در ساختار نظام سوریه به منظور ایفای نقش بیشتر مردم برای تعیین سرنوشتشان حمایت می‌کنند و معتقد به راه‌حل مسالمت‌آمیز می‌باشند. دوم، آن‌ها با مداخله کشورهای دیگر در زمینه مسلح کردن مخالفان اسد به شدت مخالف‌اند. سوم، هر دو کشور از طرح سازمان ملل حمایت کردند، اما در همین حال از عملکرد نیروهای ناظر صلح نگران هستند. چهارم، روسیه و ایران با به قدرت رسیدن گروه‌های تکفیری مخالف می‌باشند. پنجم، مسکو و تهران با مداخله نظامی در سوریه تحت هر پوششی مخالف‌اند. سرانجام اینکه، بحران سوریه در سایه همکاری همه‌جانبه، قابل حل و فصل خواهد بود.

از نظر ایران، روسیه می‌تواند موازنه‌دهنده موضع ایران در مسائل بین‌المللی به‌ویژه در مقابل غرب و بازدارنده سایر قدرت‌های منطقه‌ای باشد و تلاش‌های آن‌ها را برای حذف نقش ایران در منطقه ناکام گذارد. امریکا، نگاه مثبتی به نقش منطقه‌ای ایران ندارد و با حضور فعال ایران در حل و فصل بحران سوریه به شدت مخالف است؛ بنابراین، به‌طور صریح از تهران خواسته تا از سوریه خارج شود و از روسیه نیز تقاضا کرد تا برای عملی شدن این امر به ایران فشار بیاورد، ولی علی‌رغم این، تاکنون روسیه از حضور ایران در منطقه به‌ویژه در سوریه دفاع و آن را مشروع قلمداد کرده است. علاوه بر آن، تهران حمایت سیاسی مسکو به‌ویژه حق وتوی آن در شورای امنیت و توان و تجهیزات آن را ظرفیت مهمی برای تقویت سیاست خارجی خود قلمداد کرده و از همکاری همه‌جانبه با مسکو استقبال کرده است.

موضوع دیگر، مسئله اسرائیل است. ایران، سوریه را به خاطر اینکه به‌مثابه جبهه ایران علیه اسرائیل است دارای اهمیت می‌داند. ایران، اسرائیل را دشمن خود در نظر می‌گیرد و شعار نابودی‌اش را مطرح می‌کند درحالی‌که روسیه دارای مناسبات مستمر و دارای همکاری نزدیک با آن رژیم است؛ بنابراین، مسکو در همکاری با تهران در بحران سوریه ملاحظات تل‌آویو را در نظر دارد و به‌طورجدی مخالف هرگونه تهدیدی علیه اسرائیل است. مسکو در سطوح مختلف نظامی و امنیتی قبل از انجام عملیات هوایی در خاک سوریه، هماهنگی‌های لازم را با اسرائیل انجام می‌دهد.

شکل ۱. تأثیر روابط روسیه و سوریه بر سیاست‌گذاری امنیتی جمهوری اسلامی ایران. (مأخذ: نگارنده)



کتابنامه

۱. آجرلو، حسین (۱۳۹۰). تحولات سوریه: ریشه‌ها و چشم‌اندازها. فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۱۸ (۳): ۷۷-۵۵.
۲. اشرفی، اکبر؛ بابازاده جودی، امیر سعید (۱۳۹۵). سیاست خارجی روسیه و امریکا نسبت به بحران سوریه. مطالعات روابط بین‌الملل، ۸ (۳۲): ۴۳-۶۵.
۳. اصولی، قاسم؛ رسولی، رؤیا (۱۳۹۲). روابط ایران و روسیه: فرصت‌ها، چالش‌ها و سازوکارهای بسط روابط. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۷ (۱): ۷۱-۹۸.
۴. ایوانف، ایگور؛ شوری، محمود. (۱۳۹۵). همکاری‌های ایران و روسیه: ابعاد و چشم‌انداز. تهران: مؤسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس).
۵. باقری دولت‌آبادی، علی (۱۳۹۳). رویکردی نظری به علت توسعه روابط ایران و روسیه از زمان فروپاشی اتحاد شوروی تاکنون. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۷ (۱): ۳۷-۵۶.
۶. جعفری، علی‌اکبر؛ ذوالفقاری، وحید (۱۳۹۲). روابط ایران و روسیه: همگرایی یا واگرایی؟ مطالعات اوراسیای مرکزی، ۶ (۱۲): ۲۱-۴۰.
۷. درویشی، فرهاد (۱۳۸۴). محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قرن بیست و یکم. فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، ۴۲: ۱-۶۰.
۸. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ مرادی، منوچهر (۱۳۹۵). امریکا و روابط جمهوری اسلامی ایران - فدراسیون روسیه. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۱ (۸۹)، صص ۹۱-۶۵.
۹. ذوالفقاری، مهدی؛ عمرانی، ابوذر (۱۳۹۶). تأثیر ظهور داعش بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۷ (۲): ۱۶۹-۱۶۹.
۱۰. رستمی، محمدرضا (۱۳۹۴). جریان‌ات افراطی و تکفیری در منطقه و راهکارهای مقابله با آنها با توجه به نقش خاورمیانه‌ای روسیه. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۹ (۱): ۹۷-۱۲۲.
۱۱. زارغان، احمد (۱۳۹۴). بررسی ریشه‌ها و ویژگی‌های مشترک بحران خاورمیانه با تأکید بر بحران سوریه و عراق. فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۱۶ (۱): ۴۲-۵.
۱۲. زرگر، افشین (۱۳۹۲). مواضع روسیه در قبال تحولات سوریه ۲۰۱۳-۲۰۱۱. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۸۲: ۵۳-۸۰.
۱۳. شیخ‌الاسلامی، محمدحسن؛ بیکی، میثم (۱۳۹۲). واکاوی نقش آفرینی و سیاست‌های فدراسیون روسیه در قبال بحران سوریه. فصلنامه آفاق امنیت، ۶ (۲۰): ۱۶۶-۱۳۷.
۱۴. صادقی، سید شمس‌الدین؛ مرادی، سمیران (۱۳۹۶). تحلیل ائتلاف ایران و روسیه در پرتو بحران سوریه. فصلنامه اوراسیای مرکزی، ۱۰ (۱): ۱۷۰-۱۵۳.
۱۵. صالحی، سید جواد (۱۳۹۱). منحنی تحولات اصلاحی در سوریه و تحلیل نقش ابوزیسیون در این کشور. فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۱۹ (۷۰): ۳۷-۶۰.

۱۶. عباسی، مجید؛ محمدی، وحید (۱۳۹۲). تبیین رئالیستی منازعه بین‌المللی قدرت در سوریه و پیامدهای آن برای امنیت جمهوری اسلامی ایران. *پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۱ (۲): ۷۰-۹۳.
۱۷. عسگریان، حسین. (۱۳۹۴). *چشم‌انداز روابط ایران و روسیه*. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۱۸. کولایی، الهه؛ سلطانی‌نژاد، الهه (۱۳۹۵). علل و انگیزه‌های عملیات نظامی روسیه در سوریه. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۹ (۳): ۱۳۶-۱۱۵.
۱۹. گودرزی، مهناز؛ کوچک‌زاده تهمتن، رضا (۱۳۹۷). نظریه انتخاب عقلانی: دخالت روسیه در سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران. *مطالعات دفاعی استراتژیک*، ۱۶ (۷۳): ۱۶۴-۱۳۳.
۲۰. مقدم، فرشته (۱۳۸۴). رویکرد سیاست خارجی فدراسیون روسیه در خاورمیانه. *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، ۵۰: ۴۷۸-۴۵۳.

References

1. Abbasi M., & Mohammadi, V. (2014). Realistic explanation of the international power struggle in Syria and its consequences for the security of the Islamic Republic of Iran. *Iranian Journal of International Politics*, 1(2), 70-93. (In Persian)
2. Ajourloo, H. (2011). Syrian developments: Roots and prospects. *Middle East Studies Quarterly*. 18(3), 55-77. (In Persian)
3. Allison, R. (2013). Russia and Syria: Explaining Alignment with a Regime in Crisis, *International Affairs*, 89(4), 795-823.
4. Asgarian, H. (2015). *The Perspective of Iran-Russia Relations*. Tehran: Cultural Institute of Contemporary International Studies and Research of Tehran. (In Persian)
5. Ashrafi, A., & Babazadeh Judi, A. S. (2016). US and Russian foreign policy on the Syrian crisis. *International Relations Studies*, 8(32), 43-65. (In Persian)
6. Asseburg, M., & Wimmen, H. (2013). The civil war in Syria and the impotence of international politics. In: Marc v. Boemcken et al. (ed.): *Peace Report 2013*. LIT-Verlag, 70-83.
7. Bagdonas, A. (2012). Russia's interests in the Syrian conflict: Power, prestige, and profit. *European Journal of Economic and Political Studies*, 5(2), 55-77.
8. Bagheri Dolatabadi, A. (2014). A theoretical approach to the development of Iran-Russia relations since the collapse of the Soviet Union. *Central Eurasia Studies*, 7(1), 37-56. (In Persian)
9. Cohen, J. (2018). Commentary: Cracks in Russia- Iran Alliance open options for Trump. Available at: <https://www.reuters.com/article/us-cohen-iran-commentary/commentary-cracks-in-russia-iran-alliance-open-options-for-trump-idUSKBN1EX298>.
10. Darvishi, F. (2005). The security environment of the Islamic Republic of Iran in the 21st century. *Defense and Security Studies Quarterly*, 42, 1-60. (In Persian)

11. Dehghani Firouzabadi, S. J., & Moradi, M. (2014). The USA and the Islamic Republic of Iran-Russian Federation relations. *Central Asian and Caucasian Studies Quarterly*, 21(89), 65-91. (In Persian)
12. Goodarzi, M., & Koochekzadeh Tahmatan, R. (2018). Theory of rational choice: Russian interference in Syria and its impact on Iran's national security. *Strategic Defense Studies*, 16(73), 133-164. (In Persian)
13. Gorenburg, D. (2012). Why Russia Supports Repressive Regimes in Syria and the Middle East. *PONARS Eurasia Policy Memo*, 198.
14. Ivanov, I., & Shuri, M. (2016). *Iran-Russia Cooperation: Dimensions and Prospects*. Tehran: The Institute for Iran-Eurasia Studies (IRAS). (In Persian)
15. Ja'fari, A. A., & Zolfaghari, V. (2013). Iran-Russia relations: Convergence or divergence?. *Central Eurasia Studies*, 6(12), 21-40. (In Persian)
16. Koolai, E., & Soltaninejad, E. (2016). Causes and motivations for Russian military operations in Syria. *Strategic Studies Quarterly*, 19(3), 115-136. (In Persian)
17. Kozhanov, N. (2015). Are the Russians and Iranians Friends? *Fair Observer*. Available at: <https://www.fairobserver.com/region/europe/are-the-russians-and-iranians-friends-12812>.
18. Moghaddam, F. (2005). Foreign policy approach of the Russian Federation in the Middle East. *Central Asian and Caucasias Quarterly*, 50, 453-478. (In Persian)
19. Osouli, G., & Rasooli, R. (2013). Iran-Russia relations: Opportunities, challenges, and mechanisms for expanding relations. *Foreign Policy Quarterly*, 27(1), 71-98. (In Persian)
20. Rafizadeh M. (2016). *Implications of growing Iran-Syria economic relations*. <http://english.alarabiya.net/en/views/news/middle-east/2016/09/30/How-Iran-is-gradually-owning-Syria-economically.html>.
21. Rostami, M. R. (2015). Extremist and Takfiri currents in the region and ways to counter them given Russia's Middle East role. *Foreign Policy Quarterly*, 29(1), 97-122. (In Persian)
22. Sadeghi, S. S., & Moradi, S. (2017). Analysis of the Iran-Russia coalition in light of the Syrian crisis. *Central Eurasia Quarterly*, 10(1), 153-170. [In Persian]
23. Salehi, S. J. (2012). Curves of reforms in Syria and analysis of the role of the opposition in Syria. *Middle East Studies Quarterly*, 19 (70), 37-60. [In Persian]
24. Sheykholslami, M. H., & and Beiki, M. (2013). An analysis of the role of the Russian Federation in the Syrian crisis. *Security Horizons Quarterly*, 6(20), 137-166. (In Persian)
25. Stepanova, E. (2006). *Russia's Middle East Policy: Old Divisions or New?*. Program on New Approaches to Russian Security, CSIS, 23-35.
26. Therme, C. (2018). Iran and Russia in the Middle East: Toward a regional alliance?. *The Middle East Journal*, 72(4), 549-562.
27. Trenin, D. (2013). *The mythical alliance: Russia's Syria policy*. Washington D.C. Carnegie Endowment for International Peace.

28. Zare'an, A. (2015). Investigating the common roots and characteristics of the Middle East crisis with emphasis on the Syria-Iraq Crisis. *Strategic Studies of the Islamic World Quarterly*, 16(1): 5-42. (In Persian)
29. Zargar, A. (2013). Russia's stances on Syrian developments 2011-2013. *Central Asia and Caucasus Quarterly*, 82, 53-80. (In Persian)
30. Zolfaqari, M., & Omrani, A. (2017). The influence of ISIS on national security of the Islamic Republic of Iran. *Political Research of the Islamic World Quarterly*, 7(2), 169-195. (In Persian)